

پیمان حریفی-سامها پیش در یکی از فضاهای مجازی فعال در حوزه ترجمه با دوست عزیز یی که با آقای شهرام ارشدنژاد – یکی از چهار مترجم رساله دوم جان لاک – رابطه دوستیهای داشتند گفتگویی در مورد ترجمه ی دو اصطلاح Government و State داشتیم. بحث ما از این دو اصطلاح خارج و به موارد دیگر نیز متهی و هفتها به درازا کشیده شد.

پیمان حریفی-سامها پیش در یکی از فضاهای مجازی فعال در حوزه ترجمه با دوست عزیز یی که با آقای شهرام ارشدنژاد – یکی از چهار مترجم رساله دوم جان لاک – رابطه دوستیهای داشتند گفتگویی در مورد ترجمه ی دو اصطلاح **Government** و **State** داشتیم. بحث ما از این دو اصطلاح خارج و به موارد دیگر نیز متهی و هفتها به درازا کشیده شد.

لازم به ذکر است این مترجم رساله دوم جان لاک را با عنوان لاتین **“Second treatise of Government”** برخلاف مترجمین پیشین به فارسی «رساله دوم جان لاک درباره دولت» ترجمه کرده بود ؛ پیشتر این اثر توسط محمود صنایی (نه فضل از نوزده فصل و ذیل کتاب آزادی فرد و قدرت دولت) و حمید عضدالله هر دو تحت عنوان « رساله دوم درباره حکومت » ترجمه شده بود.

دکتر جواد طباطبایی مسالها پیش مقاله در نقد ترجمه های رساله دوم جان لاک به نام «نکش بی جان جان لاک در دست غسالان» نوشته بود در آنجا اشارهای کوتاه بر این مترجم نیز آمده بود که او در پاسخ به دکتر طباطبایی مطلبی را در فرهنگ امروز منتشر نمود در این نوشتار پاسخی ست به آن

The State of Nature یا **طباطبایی** ، بر فصل دوم کتاب لاک (منظور وی رساله دوم لاک است)، معتقد است من باید مینوشتم «وضع طبیعی» نه «دربارهی حاکمیت طبیعی» من این اسم مرکب را میتوانستم «دربارهی وضع حاکمیت طبیعت» هم بنویسم ... نزاع بر سر این اصطلاح کلیدی است که چه ترکیب فارسی مناسبی برای آن بسازیم. کلمه ای که لاک در این ترکیب به کار برده (Nature) در واقع اسم است، نه صفت. در نتیجه آن را به فارسی می باید (طبیعت) نوشت. (طبیعی) نباید نوشت. و هنگامی که ما می نویسیم طبیعت ، یک سیستم یا چهارچوب و یا یک ساختار با قوانین و شرایط خاص خود در ذهن مان متبادر می شود. منظور لاک کاملا روشن است که او دارد درباره ی حاکمیت قوانین طبیعت بر زندگی انسان ها سخن می گوید نه (وضع طبیعی) که این آقایان از جمله صنایی نوشته اند.به همین دلیل من بر فصل دوم کتاب نوشته ام (دربارهی حاکمیت طبیعت) ... و بار معنایی آن ترکیب بر (طبیعت) استوار است نه بر (وضعیت)» اگر از این موضوع بگذریم که وی در واپسین جمله یعنی « وزن و بار معنایی آن ترکیب بر (طبیعت) استوار است نه بر (وضعیت)» احتمالاً در پرازنز خود قسم آن داشته که (طبیعی) بنویسد ، در غیر اینصورت جمله بی معنا و مفهوم است .

اما تا آنجا که وی **nature** به عنوان یک اسم و **natural** را (بخصوص با داشتن پسوند **al**) به عنوان یک صفت متمایز دیده و اینکه اصلا صفت باید صفت ، و اسم باید اسم ترجمه شود ، قابل تقدیر است ، در حالی که خود در ترجمه **nature right soof** در ۶۵ از فصل ششم رساله دوم آنجا که آمده است :

This power so little belongs to the father by any peculiar right of nature, but only as he is guardian of his children

از « تاآن و به صورت طبیعی» استفاده کرده است و آورده است : «این قدرت ذاتا و به صورت طبیعی به پدر تعلق نمیگیرد بلکه این قدرت تنها وقتی به وی تعلق میگیرد که او پرستار و نگهدار فرزنداناش باشد» در اینجا باید با تامل خاص به ترجمه ی محمود صنایی — کسی که چندین بار پیشتر همین جملات را ترجمه کرده بود — و نگرستی و از این همه تشابه و «از کرامات شیخ ما» بایست انگشت حیرت بر دهان کرید ، صنایی آورده بود: « این قدرت ذاتا و فطرتا به پدر تعلق نمیگیرد تنها وقتی به وی تعلق میگیرد که او پرستار و نگهدار فرزنداناش باشد، این گونه شباهتها بسیار زیادند و بیان آن منجر به اطاله کلام میشود همین پس که گاهی حتی در علامت نگارشی هم دیده میشود در بند ۷۴ از فصل ششم «بایان کلام اینکه: سلطه پدر بر فرزند فقط در دوره خردسالی اوست و بیشتر شامل تربیت و اداره فرزند میشود» و کوتاهترین تفاوتی تا آنچه محمود صنایی آورده بود ندارد. اما عضدالله آورده است: «بنابر این سلطه و قدرت فرماتروایی پدر فراتر از تربیت و اداره فرزند در دوران خردسالی نیست»

وی در چندین جای دیگری هم **nature** را «طبیعی» آورده است به عنوان نمونه در بند ۷۳ در قبال

every man’s children being by nature as free as himself, or any of his ancestors

او و به مانند پدران او ، آزادند» در اینجا بد نیست به این نکته هم اشاره کنیم که آوردن دو بار پیوسته یک واژه — در اینجا واژه «به مانند» — نه تنها نشانه تکیذ نیست بلکه نادرست و اصطلاحا حشو است که در اثر این مترجم به وفور دیده میشود ، نمونه دیگری از این بیابت ذکر میشود که ضمن نشان دادن بی اعتباری این مترجم ، حد والای ترجمه محمود صنایی دیده شود در ابتدای بند ۴ فصل دوم این رساله آمده است: **“To understand the political power right** ، این مترجم نوشته است «برای شناخت درست قدرت سیاسی ،» و از او بدتر عضدالله هست که **right** را «معادل حق در نظر گرفته و آورده ؛برای درک حق قدرت سیاسی» اگر هر دو مترجم «درک درست» میآوردند درست بود اما شناخت «درست» هم نادرست است به دلیل آنکه «شناخت» همچون «المعرفه» در

ترجمه در غیاب تخصص؛ نزاع با مدعیان ترجمه

عربی در باطن خود درست

بسودن را داراست و آوردن «درست» ، تکرار پنهان است و حشو معنایی ست ، بدین سبب اصولیترین و درستیترین

ترجمه را محمود صنایی انجام داده و آورده است : «

شناخت قدرت سیاسی.»

اما ضمن اشاره به این موضوع که **state** در

The State of Nature

حاکمیت- ندارد و بالعکس

nature state وضعیت

پیش از تشکیل یک دولت

است ، به معنای «وضع»

یا «وضعیت» و «حالت» و

condition است و بذلهگویی است که او مینویسد « من این اسم مرکب را میتوانستم « درباره ی وضع حاکمیت طبیعت » هم بنویسم.» یعنی وی میاندک **state** به معنی «وضع» هم هست اما نمیدانیم که چرا **statel** را دو بار با دو معنای مختلف (

وضع و حاکمیت) و در کنار یکدیگر ترجمه میکند ، البته او در اینجا نوشته است که میتواند «درباره ی وضع حاکمیت طبیعت» هم بنویسد ، گویی که نوشته در حالی که در گرفته بند ۹۷ آورده است: «او همچنان در وضع حاکمیت طبیعی باقی خواهد ماند.»

اما دو نکته دیگر در باب **Natural State** حائز اهمیت است نکته اول – که البته بر ما به عنوان فارسی زبان و با فاصله چند قرن از کسانی مانند جان لاک و غیره پوشیده است و کمتر قابل بحث – اینکه گاهی نویسندگان و مولفین برای رفع ابهام ، واژه گان را با یکدیگر جایگزین میکنند به عنوان مثال اگر در **The State of Nature** از **natural** استفاده میشود ممکن بود برای خوانندگان همان زبان ابهام ایجاد شود و با اصطلاحات علوم طبیعی خلط صورت میگیرد.

و نکته دوم که برای ما به عنوان مترجم با خواننده یک اثر ترجمه شده اهمیت بیشتری دارد اینکه ، گاهی مترجمین تلاش میکنند برای آنکه مفهوم بهتر به خواننده منتقل شود، خود اصطلاحی را ابداع کنند ، که به اصطلاح **nounce making** (با **noun** اشتباه نشود) گویند ، اصطلاح یا واژه ابداع شده – چنانچه صحیح و درست باشد – در میان اساتید فن (غالب به صورت ناخودآگاه) مطرح میشود و به مرور زمان با آزمون و خطا تعمیم مییابد که به اصطلاح **Generalization** صورت میگیرد و در نهایت آن اصطلاح یا واژه در میان آحاد مردم نهادینه یا **institutionalization** میگردد.

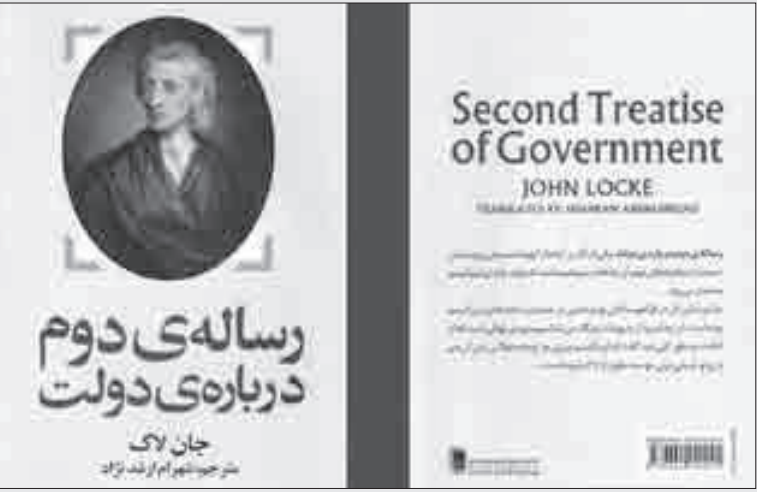
نمیدانم نخستین بار چه زمانی و توسط کدام یک از اساتید و مترجمین بود که **nature state** را « وضع طبیعی» ترجمه کردند که در زبان فارسی واژه «طبیعی» از نهاد و ذات خود مفهوم «اولیه» یا «ابتدایی» را دارد ، که اگر از واژه «طبیعت» استفاده میشد دیگر آن مفاهیم «اولیه و ابتدایی» را با خود به همراه نمی داشت، نهایتا برای آنکه ابهامی با طبیعت و علوم طبیعی ایجاد نشود شاکراری بود برآمده از ذهنی خلاق.

State و **Government**

استفادگ است برای یک خواننده فارسی زبان که بداند مترجم یک اثر سیاسی ، تفاوت این دو واژه مهم سیاسی و ترجمه های آنان را نمیداند و اقرار میکند نه معنای این دو واژه و نه علت تعلق ترکیبی و نه علیت « تفکیک این دو واژه برایش روشن نیست یا با اراده ی خویش مایل به خلط آن دو است

او مینویسد: «می پرسم فرق دولت و حکومت در چیست؟ دولت را طباطبایی و دیگران در مقابل واژه ی **state** به کار می برند. من نمی دانم اصرار این آقایان بر سر

این تفکیک در زبان «فارسی» چیست ؟» و سپس ادامه میدهد: « آقایان و خنامه های فیلسوف سیاسی ایرانی فرمایند این تفکیک دولت از حکومت چراست؟ البته من خود در پی پاسخ به این پرسش گشمام. به کتاب بسیار سوهدمند دکتر حسین بشیریه، آموزش دانش سیاسی مراجعه کردم. ... او نیز قابل به این تفکیک است ... این تفکیک انتزاعی و عینی بودن دولت و حکومت از یکدیگر بر من روشن نیست، نه معنایش، نه علتش و نه علیش (به خصوص در زبان فارسی و به طور طبیعی و ذاتی حوزهی معنایی واژگانش در یکدیگر تداخل میکنند) متأسفانه بشیریه معادل انگلیسی این واژگان را در زیرنویس نوشته تا بدانم او درباره ی چه چه می گوید. آیا این تفکیک مخصوص متفکران ایرانی است یا فرنگیان نیز قابل به این تفکیک هستند؟ در این صورت سندش و ارجاعاتش و منابعش کو؟ این درحالیست که هر دو تفکیک دولت و حکومت از سوی بسیاری از اساتید حوزه



فلسفه و سیاست بی برده است ، اما فرنگ نشین ما و دنبال سند و ارجاع و منابع فرنگی است. در باب تفکیک دولت و حکومت آشکار است که یک دولت دارای عناصر مفصلی مانند مردم ، سرزمین و حکومت (برخی حاکمیت را نیز افزوده اند) است

به عبارت بهتر حکومت زیرمجموعه دولت است

و البته او خود نیز به این مهم اشاره داشته است

و به واسطه یکی از وب سایتهای انگلیسی زبان –

با وجود آنکه به دنبال این سوال است که آیا فرنگیان

۹ تعریف برای **Government** و **State** ارائه داده است در بند اول آمده است که

Government بخشی از **State** است و در بند نهم آورده است **Government** موقتی است ولی **State** همیشگی است ، شگفتنا که در چند سطر پایین تر خود نتیجه

گیری میکند که دولت میتواند تغییر کند یعنی دولت را برابر **Government** در نظر

دولت است تمام منبع مورد وثوقش در گفتار محاوره ای و عوامانه و با حداکثر در

رسانه های خبری فارسی زبان است ، در حالی که قوه مجریه به خلاف عوام ، در

میان اهل فن برابر حکومت است و در بند ۲ نیز اشاره میکند **Government** عامل

اجرائی **state** است به عبارت بهتر آنان که ریاست دوره ای قوه اجرائی کشور را به عهده میگیرند اگرچه در محاورات «دولت» نامیده میشود اما در علم سیاست ریاست

«حکومت» را به عهده دارند.

همانگونه که در سطور بالا گفته شد «حکومت» زیرمجموعه «دولت» قرار می گیرد،

حکومت خود دارای ارکان مختلفی است که «هیات دولت» یکی از آنان است.اشتباه خود اصطلاحی را ابداع کنند ، که به اصطلاح **nounce making** (با **noun** اشتباه نشود) گویند ، اصطلاح یا واژه ابداع شده – چنانچه صحیح و درست باشد – در میان اساتید فن (غالب به صورت ناخودآگاه) مطرح میشود و به مرور زمان با آزمون و خطا تعمیم مییابد که به اصطلاح **Generalization** صورت میگیرد و در نهایت آن اصطلاح یا واژه در میان آحاد مردم نهادینه یا **institutionalization** میگردد.

نمیدانم نخستین بار چه زمانی و توسط کدام یک از اساتید و مترجمین بود که **nature state** را « وضع طبیعی» ترجمه کردند که در زبان فارسی واژه «طبیعی» از نهاد و ذات خود مفهوم «اولیه» یا «ابتدایی» را دارد ، که اگر از واژه «طبیعت» استفاده میشد دیگر آن مفاهیم «اولیه و ابتدایی» را با خود به همراه نمی داشت، نهایتا برای آنکه ابهامی با طبیعت و علوم طبیعی ایجاد نشود شاکراری بود برآمده از ذهنی خلاق.

State و **Government**

استفادگ است برای یک خواننده فارسی زبان که بداند مترجم یک اثر سیاسی ، تفاوت این دو واژه مهم سیاسی و ترجمه های آنان را نمیداند و اقرار میکند نه معنای این دو واژه و نه علت تعلق ترکیبی و نه علیت « تفکیک این دو واژه برایش روشن نیست یا با اراده ی خویش مایل به خلط آن دو است

او مینویسد: «می پرسم فرق دولت و حکومت در چیست؟ دولت را طباطبایی و دیگران در مقابل واژه ی **state** به کار می برند. من نمی دانم اصرار این آقایان بر سر

این تفکیک در زبان «فارسی» چیست ؟»

و سپس ادامه میدهد: « آقایان و خنامه های فیلسوف سیاسی ایرانی فرمایند این تفکیک دولت از حکومت چراست؟ البته من خود در پی پاسخ به این پرسش گشمام. به کتاب بسیار سوهدمند دکتر حسین بشیریه، آموزش دانش سیاسی مراجعه کردم. ... او نیز قابل به این تفکیک است ... این تفکیک انتزاعی و عینی بودن دولت و حکومت از یکدیگر بر من روشن نیست، نه معنایش، نه علتش و نه علیش (به خصوص در زبان فارسی و به طور طبیعی و ذاتی حوزهی معنایی واژگانش در یکدیگر تداخل میکنند) متأسفانه بشیریه معادل انگلیسی این واژگان را در زیرنویس نوشته تا بدانم او درباره ی چه چه می گوید. آیا این تفکیک مخصوص متفکران ایرانی است یا فرنگیان نیز قابل به این تفکیک هستند؟ در این صورت سندش و ارجاعاتش و منابعش کو؟ این درحالیست که هر دو تفکیک دولت و حکومت از سوی بسیاری از اساتید حوزه

فلسفه و سیاست بی برده است ، اما فرنگ نشین ما و دنبال سند و ارجاع و منابع فرنگی است. در باب تفکیک دولت و حکومت آشکار است که یک دولت دارای عناصر مفصلی مانند مردم ، سرزمین و حکومت (برخی حاکمیت را نیز افزوده اند) است

به عبارت بهتر حکومت زیرمجموعه دولت است

و البته او خود نیز به این مهم اشاره داشته است

و به واسطه یکی از وب سایتهای انگلیسی زبان –

با وجود آنکه به دنبال این سوال است که آیا فرنگیان

۹ تعریف برای **Government** و **State** ارائه داده است در بند اول آمده است که

Government بخشی از **State** است و در بند نهم آورده است **Government** موقتی است ولی **State** همیشگی است ، شگفتنا که در چند سطر پایین تر خود نتیجه

گیری میکند که دولت میتواند تغییر کند یعنی دولت را برابر **Government** در نظر

دولت است تمام منبع مورد وثوقش در گفتار محاوره ای و عوامانه و با حداکثر در

رسانه های خبری فارسی زبان است ، در حالی که قوه مجریه به خلاف عوام ، در

میان اهل فن برابر حکومت است و در بند ۲ نیز اشاره میکند **Government** عامل

اجرائی **state** است به عبارت بهتر آنان که ریاست دوره ای قوه اجرائی کشور را به عهده میگیرند اگرچه در محاورات «دولت» نامیده میشود اما در علم سیاست ریاست

«حکومت» را به عهده دارند.

همانگونه که در سطور بالا گفته شد «حکومت» زیرمجموعه «دولت» قرار می گیرد،

حکومت خود دارای ارکان مختلفی است که «هیات دولت» یکی از آنان است.اشتباه خود اصطلاحی را ابداع کنند ، که به اصطلاح **nounce making** (با **noun** اشتباه نشود) گویند ، اصطلاح یا واژه ابداع شده – چنانچه صحیح و درست باشد – در میان اساتید فن (غالب به صورت ناخودآگاه) مطرح میشود و به مرور زمان با آزمون و خطا تعمیم مییابد که به اصطلاح **Generalization** صورت میگیرد و در نهایت آن اصطلاح یا واژه در میان آحاد مردم نهادینه یا **institutionalization** میگردد.

نمیدانم نخستین بار چه زمانی و توسط کدام یک از اساتید و مترجمین بود که **nature state** را « وضع طبیعی» ترجمه کردند که در زبان فارسی واژه «طبیعی» از نهاد و ذات خود مفهوم «اولیه» یا «ابتدایی» را دارد ، که اگر از واژه «طبیعت» استفاده میشد دیگر آن مفاهیم «اولیه و ابتدایی» را با خود به همراه نمی داشت، نهایتا برای آنکه ابهامی با طبیعت و علوم طبیعی ایجاد نشود شاکراری بود برآمده از ذهنی خلاق.

State و **Government**

استفادگ است برای یک خواننده فارسی زبان که بداند مترجم یک اثر سیاسی ، تفاوت این دو واژه مهم سیاسی و ترجمه های آنان را نمیداند و اقرار میکند نه معنای این دو واژه و نه علت تعلق ترکیبی و نه علیت « تفکیک این دو واژه برایش روشن نیست یا با اراده ی خویش مایل به خلط آن دو است

او مینویسد: «می پرسم فرق دولت و حکومت در چیست؟ دولت را طباطبایی و دیگران در مقابل واژه ی **state** به کار می برند. من نمی دانم اصرار این آقایان بر سر

این تفکیک در زبان «فارسی» چیست ؟»

و سپس ادامه میدهد: « آقایان و خنامه های فیلسوف سیاسی ایرانی فرمایند این تفکیک دولت از حکومت چراست؟ البته من خود در پی پاسخ به این پرسش گشمام. به کتاب بسیار سوهدمند دکتر حسین بشیریه، آموزش دانش سیاسی مراجعه کردم. ... او نیز قابل به این تفکیک است ... این تفکیک انتزاعی و عینی بودن دولت و حکومت از یکدیگر بر من روشن نیست، نه معنایش، نه علتش و نه علیش (به خصوص در زبان فارسی و به طور طبیعی و ذاتی حوزهی معنایی واژگانش در یکدیگر تداخل میکنند) متأسفانه بشیریه معادل انگلیسی این واژگان را در زیرنویس نوشته تا بدانم او درباره ی چه چه می گوید. آیا این تفکیک مخصوص متفکران ایرانی است یا فرنگیان نیز قابل به این تفکیک هستند؟ در این صورت سندش و ارجاعاتش و منابعش کو؟ این درحالیست که هر دو تفکیک دولت و حکومت از سوی بسیاری از اساتید حوزه

فلسفه و سیاست بی برده است ، اما فرنگ نشین ما و دنبال سند و ارجاع و منابع فرنگی است. در باب تفکیک دولت و حکومت آشکار است که یک دولت دارای عناصر مفصلی مانند مردم ، سرزمین و حکومت (برخی حاکمیت را نیز افزوده اند) است

به عبارت بهتر حکومت زیرمجموعه دولت است

و البته او خود نیز به این مهم اشاره داشته است

و به واسطه یکی از وب سایتهای انگلیسی زبان – با وجود آنکه به دنبال این سوال است که آیا فرنگیان ۹ تعریف برای **Government** و **State** ارائه داده است در بند اول آمده است که **Government** بخشی از **State** است و در بند نهم آورده است **Government** موقتی است ولی **State** همیشگی است ، شگفتنا که در چند سطر پایین تر خود نتیجه گیری میکند که دولت میتواند تغییر کند یعنی دولت را برابر **Government** در نظر دولت است تمام منبع مورد وثوقش در گفتار محاوره ای و عوامانه و با حداکثر در رسانه های خبری فارسی زبان است ، در حالی که قوه مجریه به خلاف عوام ، در میان اهل فن برابر حکومت است و در بند ۲ نیز اشاره میکند **Government** عامل اجرائی **state** است به عبارت بهتر آنان که ریاست دوره ای قوه اجرائی کشور را به عهده میگیرند اگرچه در محاورات «دولت» نامیده میشود اما در علم سیاست ریاست «حکومت» را به عهده دارند.

همانگونه که در سطور بالا گفته شد «حکومت» زیرمجموعه «دولت» قرار می گیرد، حکومت خود دارای ارکان مختلفی است که «هیات دولت» یکی از آنان است.اشتباه خود اصطلاحی را ابداع کنند ، که به اصطلاح **nounce making** (با **noun** اشتباه نشود) گویند ، اصطلاح یا واژه ابداع شده – چنانچه صحیح و درست باشد – در میان اساتید فن (غالب به صورت ناخودآگاه) مطرح میشود و به مرور زمان با آزمون و خطا تعمیم مییابد که به اصطلاح **Generalization** صورت میگیرد و در نهایت آن اصطلاح یا واژه در میان آحاد مردم نهادینه یا **institutionalization** میگردد.

نمیدانم نخستین بار چه زمانی و توسط کدام یک از اساتید و مترجمین بود که **nature state** را « وضع طبیعی» ترجمه کردند که در زبان فارسی واژه «طبیعی» از نهاد و ذات خود مفهوم «اولیه» یا «ابتدایی» را دارد ، که اگر از واژه «طبیعت» استفاده میشد دیگر آن مفاهیم «اولیه و ابتدایی» را با خود به همراه نمی داشت، نهایتا برای آنکه ابهامی با طبیعت و علوم طبیعی ایجاد نشود شاکراری بود برآمده از ذهنی خلاق.
این تفکیک در زبان «فارسی» چیست ؟» و سپس ادامه میدهد: « آقایان و خنامه های فیلسوف سیاسی ایرانی فرمایند این تفکیک دولت از حکومت چراست؟ البته من خود در پی پاسخ به این پرسش گشمام. به کتاب بسیار سوهدمند دکتر حسین بشیریه، آموزش دانش سیاسی مراجعه کردم. ... او نیز قابل به این تفکیک است ... این تفکیک انتزاعی و عینی بودن دولت و حکومت از یکدیگر بر من روشن نیست، نه معنایش، نه علتش و نه علیش (به خصوص در زبان فارسی و به طور طبیعی و ذاتی حوزهی معنایی واژگانش در یکدیگر تداخل میکنند) متأسفانه بشیریه معادل انگلیسی این واژگان را در زیرنویس نوشته تا بدانم او درباره ی چه چه می گوید. آیا این تفکیک مخصوص متفکران ایرانی است یا فرنگیان نیز قابل به این تفکیک هستند؟ در این صورت سندش و ارجاعاتش و منابعش کو؟ این درحالیست که هر دو تفکیک دولت و حکومت از سوی بسیاری از اساتید حوزه فلسفه و سیاست بی برده است ، اما فرنگ نشین ما و دنبال سند و ارجاع و منابع فرنگی است. در باب تفکیک دولت و حکومت آشکار است که یک دولت دارای عناصر مفصلی مانند مردم ، سرزمین و حکومت (برخی حاکمیت را نیز افزوده اند) است به عبارت بهتر حکومت زیرمجموعه دولت است و البته او خود نیز به این مهم اشاره داشته است و به واسطه یکی از وب سایتهای انگلیسی زبان – با وجود آنکه به دنبال این سوال است که آیا فرنگیان ۹ تعریف برای **Government** و **State** ارائه داده است در بند اول آمده است که **Government** بخشی از **State** است و در بند نهم آورده است **Government** موقتی است ولی **State** همیشگی است ، شگفتنا که در چند سطر پایین تر خود نتیجه گیری میکند که دولت میتواند تغییر کند یعنی دولت را برابر **Government** در نظر دولت است تمام منبع مورد وثوقش در گفتار محاوره ای و عوامانه و با حداکثر در رسانه های خبری فارسی زبان است ، در حالی که قوه مجریه به خلاف عوام ، در میان اهل فن برابر حکومت است و در بند ۲ نیز اشاره میکند **Government** عامل اجرائی **state** است به عبارت بهتر آنان که ریاست دوره ای قوه اجرائی کشور را به عهده میگیرند اگرچه در محاورات «دولت» نامیده میشود اما در علم سیاست ریاست «حکومت» را به عهده دارند.

همانگونه که در سطور بالا گفته شد «حکومت» زیرمجموعه «دولت» قرار می گیرد، حکومت خود دارای ارکان مختلفی است که «هیات دولت» یکی از آنان است.اشتباه خود اصطلاحی را ابداع کنند ، که به اصطلاح **nounce making** (با **noun** اشتباه نشود) گویند ، اصطلاح یا واژه ابداع شده – چنانچه صحیح و درست باشد – در میان اساتید فن (غالب به صورت ناخودآگاه) مطرح میشود و به مرور زمان با آزمون و خطا تعمیم مییابد که به اصطلاح **Generalization** صورت میگیرد و در نهایت آن اصطلاح یا واژه در میان آحاد مردم نهادینه یا **institutionalization** میگردد.

نمیدانم نخستین بار چه زمانی و توسط کدام یک از اساتید و مترجمین بود که **nature state** را « وضع طبیعی» ترجمه کردند که در زبان فارسی واژه «طبیعی» از نهاد و ذات خود مفهوم «اولیه» یا «ابتدایی» را دارد ، که اگر از واژه «طبیعت» استفاده میشد دیگر آن مفاهیم «اولیه و ابتدایی» را با خود به همراه نمی داشت، نهایتا برای آنکه ابهامی با طبیعت و علوم طبیعی ایجاد نشود شاکراری بود برآمده از ذهنی خلاق.
این تفکیک در زبان «فارسی» چیست ؟» و سپس ادامه میدهد: « آقایان و خنامه های فیلسوف سیاسی ایرانی فرمایند این تفکیک دولت از حکومت چراست؟ البته من خود در پی پاسخ به این پرسش گشمام. به کتاب بسیار سوهدمند دکتر حسین بشیریه، آموزش دانش سیاسی مراجعه کردم. ... او نیز قابل به این تفکیک است ... این تفکیک انتزاعی و عینی بودن دولت و حکومت از یکدیگر بر من روشن نیست، نه معنایش، نه علتش و نه علیش (به خصوص در زبان فارسی و به طور طبیعی و ذاتی حوزهی معنایی واژگانش در یکدیگر تداخل میکنند) متأسفانه بشیریه معادل انگلیسی این واژگان را در زیرنویس نوشته تا بدانم او درباره ی چه چه می گوید. آیا این تفکیک مخصوص متفکران ایرانی است یا فرنگیان نیز قابل به این تفکیک هستند؟ در این صورت سندش و ارجاعاتش و منابعش کو؟ این درحالیست که هر دو تفکیک دولت و حکومت از سوی بسیاری از اساتید حوزه فلسفه و سیاست بی برده است ، اما فرنگ نشین ما و دنبال سند و ارجاع و منابع فرنگی است. در باب تفکیک دولت و حکومت آشکار است که یک دولت دارای عناصر مفصلی مانند مردم ، سرزمین و حکومت (برخی حاکمیت را نیز افزوده اند) است به عبارت بهتر حکومت زیرمجموعه دولت است و البته او خود نیز به این مهم اشاره داشته است و به واسطه یکی از وب سایتهای انگلیسی زبان – با وجود آنکه به دنبال این سوال است که آیا فرنگیان ۹ تعریف برای **Government** و **State** ارائه داده است در بند اول آمده است که **Government** بخشی از **State** است و در بند نهم آورده است **Government** موقتی است ولی **State** همیشگی است ، شگفتنا که در چند سطر پایین تر خود نتیجه گیری میکند که دولت میتواند تغییر کند یعنی دولت را برابر **Government** در نظر دولت است تمام منبع مورد وثوقش در گفتار محاوره ای و عوامانه و با حداکثر در رسانه های خبری فارسی زبان است ، در حالی که قوه مجریه به خلاف عوام ، در میان اهل فن برابر حکومت است و در بند ۲ نیز اشاره میکند **Government** عامل اجرائی **state** است به عبارت بهتر آنان که ریاست دوره ای قوه اجرائی کشور را به عهده میگیرند اگرچه در محاورات «دولت» نامیده میشود اما در علم سیاست ریاست «حکومت» را به عهده دارند.

همانگونه که در سطور بالا گفته شد «حکومت» زیرمجموعه «دولت» قرار می گیرد، حکومت خود دارای ارکان مختلفی است که «هیات دولت» یکی از آنان است.اشتباه خود اصطلاحی را ابداع کنند ، که به اصطلاح **nounce making** (با **noun** اشتباه نشود) گویند ، اصطلاح یا واژه ابداع شده – چنانچه صحیح و درست باشد – در میان اساتید فن (غالب به صورت ناخودآگاه) مطرح میشود و به مرور زمان با آزمون و خطا تعمیم مییابد که به اصطلاح **Generalization** صورت میگیرد و در نهایت آن اصطلاح یا واژه در میان آحاد مردم نهادینه یا **institutionalization** میگردد.

نمیدانم نخستین بار چه زمانی و توسط کدام یک از اساتید و مترجمین بود که **nature state** را « وضع طبیعی» ترجمه کردند که در زبان فارسی واژه «طبیعی» از نهاد و ذات خود مفهوم «اولیه» یا «ابتدایی» را دارد ، که اگر از واژه «طبیعت» استفاده میشد دیگر آن مفاهیم «اولیه و ابتدایی» را با خود به همراه نمی داشت، نهایتا برای آنکه ابهامی با طبیعت و علوم طبیعی ایجاد نشود شاکراری بود برآمده از ذهنی خلاق.

این تفکیک در زبان «فارسی» چیست ؟» و سپس ادامه میدهد: « آقایان و خنامه های فیلسوف سیاسی ایرانی فرمایند این تفکیک دولت از حکومت چراست؟ البته من خود در پی پاسخ به این پرسش گشمام. به کتاب بسیار سوهدمند دکتر حسین بشیریه، آموزش دانش سیاسی مراجعه کردم. ... او نیز قابل به این تفکیک است ... این تفکیک انتزاعی و عینی بودن دولت و حکومت از یکدیگر بر من روشن نیست، نه معنایش، نه علتش و نه علیش (به خصوص در زبان فارسی و به طور طبیعی و ذاتی حوزهی معنایی واژگانش در یکدیگر تداخل میکنند) متأسفانه بشیریه معادل انگلیسی این واژگان را در زیرنویس نوشته تا بدانم او درباره ی چه چه می گوید. آیا این تفکیک مخصوص متفکران ایرانی است یا فرنگیان نیز قابل به این تفکیک هستند؟ در این صورت سندش و ارجاعاتش و منابعش کو؟ این درحالیست که هر دو تفکیک دولت و حکومت از سوی بسیاری از اساتید حوزه فلسفه و سیاست بی برده است ، اما فرنگ نشین ما و دنبال سند و ارجاع و منابع فرنگی است. در باب تفکیک دولت و حکومت آشکار است که یک دولت دارای عناصر مفصلی مانند مردم ، سرزمین و حکومت (برخی حاکمیت را نیز افزوده اند) است به عبارت بهتر حکومت زیرمجموعه دولت است و البته او خود نیز به این مهم اشاره داشته است و به واسطه یکی از وب سایتهای انگلیسی زبان – با وجود آنکه به دنبال این سوال است که آیا فرنگیان ۹ تعریف برای **Government** و **State** ارائه داده است در بند اول آمده است که **Government** بخشی از **State** است و در بند نهم آورده است **Government** موقتی است ولی **State** همیشگی است ، شگفتنا که در چند سطر پایین تر خود نتیجه گیری میکند که دولت میتواند تغییر کند یعنی دولت را برابر **Government** در نظر دولت است تمام منبع مورد وثوقش در گفتار محاوره ای و عوامانه و با حداکثر در رسانه های خبری فارسی زبان است ، در حالی که قوه مجریه به خلاف عوام ، در میان اهل فن برابر حکومت است و در بند ۲ نیز اشاره میکند **Government** عامل اجرائی **state** است به عبارت بهتر آنان که ریاست دوره ای قوه اجرائی کشور را به عهده میگیرند اگرچه در محاورات «دولت» نامیده میشود اما در علم سیاست ریاست «حکومت» را به عهده دارند.

همانگونه که در سطور بالا گفته شد «حکومت» زیرمجموعه «دولت» قرار می گیرد، حکومت خود دارای ارکان مختلفی است که «هیات دولت» یکی از آنان است.اشتباه خود اصطلاحی را ابداع کنند ، که به اصطلاح **nounce making** (با **noun** اشتباه نشود) گویند ، اصطلاح یا واژه ابداع شده – چنانچه صحیح و درست باشد – در میان اساتید فن (غالب به صورت ناخودآگاه) مطرح میشود و به مرور زمان با آزمون و خطا تعمیم مییابد که به اصطلاح **Generalization** صورت میگیرد و در نهایت آن اصطلاح یا واژه در میان آحاد مردم نهادینه یا **institutionalization** میگردد.

نمیدانم نخستین بار چه زمانی و توسط کدام یک از اساتید و مترجمین بود که **nature state** را « وضع طبیعی» ترجمه کردند که در زبان فارسی واژه «طبیعی» از نهاد و ذات خود مفهوم «اولیه» یا «ابتدایی» را دارد ، که اگر از واژه «طبیعت» استفاده میشد دیگر آن مفاهیم «اولیه و ابتدایی» را با خود به همراه نمی داشت، نهایتا برای آنکه ابهامی با طبیعت و علوم طبیعی ایجاد نشود شاکراری بود برآمده از ذهنی خلاق.

این تفکیک در زبان «فارسی» چیست ؟» و سپس ادامه میدهد: « آقایان و خنامه های فیلسوف سیاسی ایرانی فرمایند این تفکیک دولت از حکومت چراست؟ البته من خود در پی پاسخ به این پرسش گشمام. به کتاب بسیار سوهدمند دکتر حسین بشیریه، آموزش دانش سیاسی مراجعه کردم. ... او نیز قابل به این تفکیک است ... این تفکیک انتزاعی و عینی بودن دولت و حکومت از یکدیگر بر من روشن نیست، نه معنایش، نه علتش و نه علیش (به خصوص در زبان فارسی و به طور طبیعی و ذاتی حوزهی معنایی واژگانش در یکدیگر تداخل میکنند) متأسفانه بشیریه معادل انگلیسی این واژگان را در زیرنویس نوشته تا بدانم او درباره ی چه چه می گوید. آیا این تفکیک مخصوص متفکران ایرانی است یا فرنگیان نیز قابل به این تفکیک هستند؟ در این صورت سندش و ارجاعاتش و منابعش کو؟ این درحالیست که هر دو تفکیک دولت و حکومت از سوی بسیاری از اساتید حوزه فلسفه و سیاست بی برده است ، اما فرنگ نشین ما و دنبال سند و ارجاع و منابع فرنگی است. در باب تفکیک دولت و حکومت آشکار است که یک دولت دارای عناصر مفصلی مانند مردم ، سرزمین و حکومت (برخی حاکمیت را نیز افزوده اند) است به عبارت بهتر حکومت زیرمجموعه دولت است و البته او خود نیز به این مهم اشاره داشته است و به واسطه یکی از وب سایتهای انگلیسی زبان – با وجود آنکه به دنبال این سوال است که آیا فرنگیان ۹ تعریف برای **Government** و **State** ارائه داده است در بند اول آمده است که **Government** بخشی از **State** است و در بند نهم آورده است **Government** موقتی است ولی **State** همیشگی است ، شگفتنا که در چند سطر پایین تر خود نتیجه گیری میکند که دولت میتواند تغییر کند یعنی دولت را برابر **Government** در نظر دولت است تمام منبع مورد وثوقش در گفتار محاوره ای و عوامانه و با حداکثر در رسانه های خبری فارسی زبان است ، در حالی که قوه مجریه به خلاف عوام ، در میان اهل فن برابر حکومت است و در بند ۲ نیز اشاره میکند **Government** عامل اجرائی **state** است به عبارت بهتر آنان که ریاست دوره ای قوه اجرائی کشور را به عهده میگیرند اگرچه در محاورات «دولت» نامیده میشود اما در علم سیاست ریاست «حکومت» را به عهده دارند.

همانگونه که در سطور بالا گفته شد «حکومت» زیرمجموعه «دولت» قرار می گیرد، حکومت خود دارای ارکان مختلفی